



آیا جهان به سوی فاجعه و نابودی می رود؟/ وضع اخلاقی خوبی نداریم

رئیس فرهنگستان علوم ایران گفت: این که مسیر انحطاط سرعت گرفته است باید همه را به فکر وادارد که بپرسند جهان دارد به کجا می رود و چه بر سر آدمی خواهد آمد؟

رئیس فرهنگستان علوم ایران گفت: این که مسیر انحطاط سرعت گرفته است باید همه را به فکر وادارد که بپرسند جهان دارد به کجا می <shy>رود و چه بر سر آدمی خواهد آمد؟

به گزارش خبرنگار مهر، متن پیش رو گزارشی از سخنرانی رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در دومین نشست از سلسله نشست های اخلاق تعلیم و تربیت است که در دانشگاه یزد برگزار شده است؛

رضا داوری اردکانی در ابتدای سخنانش اظهار داشت: تعلیم و تربیت و اخلاق به هم پیوسته اند، هر چند که اخلاقی بودن را نمی <shy>توان آموخت. آنچه در اخلاق آموختنی است اوصاف صفات و فضایل اخلاقی است. اخلاق با تذکر به وجود می آید. بسیار خوب است که فضایل اخلاقی در وجود آدمی ملکه شود و البته صاحبان این ملکه رفتار خوب و اخلاقی دارند اما اخلاق برایشان عادت شده است. اینها شاید در شرایط سخت که باید تصمیم اخلاقی بگیرند همیشه از عهده برنایند. به این جهت است که می <shy>بینیم صاحبان زهد و تقوا چون همه زشتی <shy>ها و ناروایی <shy>ها را با عادات اخلاقی خود می <shy>سنجند در برابر ناروایی <shy>های ناآشنا هیچ تکلیفی احساس نمی <shy>کنند و ساکت می <shy>مانند.

داوری اردکانی در این نشست که با حضور رئیس و جمعی از مسئولان و استادان دانشگاه یزد برگزار شد، با توجه به اینکه اشخاص از اخلاق و تعلیم و تربیت معانی متفاوت درمی <shy>یابند، این پرسش <shy>ها را مطرح کرد: آیا منظور این است که وظیفه تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است؟ آیا مدرسه باید علم و تهذیب را توأم کند و دانشگاه <shy>ها هم باید برای تهذیب اخلاق بکوشند؟ آیا اخلاق قابل آموزش است؟ علم و اخلاق چه ارتباطی با هم دارند و نسبت اخلاق با سیاست و هنر و دین چیست و چگونه است؟

رئیس فرهنگستان علوم ایران در رابطه با جایگاه اخلاق در تاریخ آموزش بشر گفت: بشر از ابتدا چه بی سواد و چه با سواد در حال آموختن بوده است.

وی ضمن اشاره به ایام سوگواری محرم گفت: ایام محرم ارتباط خاصی با اخلاق دارد. محرم ماه شرف و آزادگی است. ماه فرزند پیامبر، امام حسین(ع) است که برای جلوگیری از انحراف اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدش و حفظ مکارم اخلاقی هر چه داشت، داد و مظهر بزرگ دینداری و شرف و آزادگی و ایمان شد.

مناسک، خردمندی و ایمان؛ سه شأن حادثه کربلا

وی ادامه داد: حادثه بزرگ کربلا سه شأن دارد؛ یکی شأن مناسک و مراسم است که اهل شرع و حتی بعضی از دوستداران غیرمسلمان امام حسین، آنها را برپا می <shy>دارند. شأن دیگر خردمندانه بودن و اخلاقی بودن است و بالاخره به شأن سوم یعنی ایمان می <shy>رسیم که جان آن دو شأن دیگر، است. مراسم و مناسک برای حفظ دین و شریعت لازم است، به خصوص که تشیع را از عاشورا نمی <shy>توان جدا کرد. گویی امام این مظهر شرف انسانی با فرزندان و کسان و یارانش شهید شده است، تا تشیع زنده بماند.

داوری اردکانی گفت: عزاداری های ماه محرم و صفر و روزه <shy>خوانی <shy>ها همواره نگهبان تشیع بوده است. با اینکه عزاداران و برگزارکنندگان و گردانندگان مراسم عزاداری معمولاً معتقدان به اسلام و مایل به راستی و درستی اند، گاهی اتفاق می <shy>افتد که اشخاص نه چندان معتقد و صالح نیز به شرکت در مراسم و حتی در برگزاری آنها علاقه نشان می <shy>دهند که شاید خلق و خو یا رفتارشان با عظمت عاشورا چندان نسبتی ندارد.

وی ادامه داد: شأن دوم یعنی خردمندی و اخلاق بیشتر مورد توجه و نظر کسانی است که اسلام را یک دین به تمام معنی اخلاقی می <shy>دانند و در رفتار و گفتار پیشوایانش اخلاق می <shy>بینند. به نظر آنها امام حسین(ع) جنگ نمی <shy>خواست و برای جنگ نیامده بود و هر چه توانست کوشید تا کار به قتال نکشد ولی سیر امور چنان بود که ناگزیر می <shy>بایست از میان دو راه یکی را برگزیند. یا به یزید و یزیدیان تسلیم شود یا شهادت را بپذیرد. او تسلیم در برابر نادانی و ستم و تباه کردن دین و دنیای مردم را نمی <shy>توانست بپذیرد پس راه شهادت را برگزید و از این راه به کمال عزت و شرف و آزادگی و مرتبه <shy>ای و رای اخلاق رسمی رسید.

رئیس فرهنگستان علوم ایران ادامه داد: شأن سوم حادثه کربلا، ظهور ایمان به معنی کامل آن است. مؤمنان بسیاریند اما هر یک در درجه <shy>ای از ایمان قرار دارند. به این جهت است که در قرآن از مؤمنان خواسته شده است که ایمان بیاورند (یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا) مرتبه عالی ایمان به ندرت تحقق می <shy>یابد و درک و فهم آن با عقل و به خصوص عقل مشترک دشوار و شاید محال است.

وی افزود: ما لفظ «رضاً بقضائک و تسلیمأ لامرک» را می <shy>شنویم و برایمان عادی شده است اما کمتر فکر می <shy>کنیم که تحقق آن تا چه اندازه دشوار است. با این رضا و تسلیم است که عقل و اخلاق بنیاد می شود و زندگی نظم قانونی پیدا می <shy>کند. مردم و حتی بعضی از ناصالحان که جانشان یکسره آلوده نشده است، عظمت حادثه کربلا را درک می <shy>کنند و نادانسته در برابر آن سر فرود می <shy>آورند. کسانی هم شاید نیاز دارند که با پناه بردن به سایه عظمت حادثه عاشورا گفتارها و کردارهای زشت خود را بیوشانند. اینها اگر امام حسین را از جنس و سنخ خود ندانند شاید راهی به نجات پیدا کنند یعنی اگر رفتار و کردار خود را ضد عاشورایی ندانند به دین و آیین آسیب می <shy>رسانند. محرم ماه مراسم عزاداری است اما اگر به عزاداری <shy>های رسمی اکتفا شود شاید درس <shy>های عاشورا بی <shy>اثر شود.

چهار وجه شرعی و سیاسی و اخلاقی و ایمانی عاشورا

داوری اردکانی گفت: حادثه عاشورا چهار وجه شرعی و سیاسی و اخلاقی و ایمانی (مرحله عالی ایمان) دارد. وجه شرعی و سیاسی <shy>اش معلوم است. امام برای حفظ آیین جدش در مقام امر به معروف و نهی از منکر برآمد (شأن شرعی) و چون مخاطب امر به معروف و نهی از منکر حکومتی نادان و ستمکار بود ناگزیر می <shy>بایست برای برانداختن آن بکوشد (شأن سیاسی) اما با امر به معروف و نهی از منکرش و رفتاری که در طی سفر و بخصوص در کربلا داشت، در طی هزار و چند صد سال درس <shy>های بزرگ اخلاقی به مستعدان داد و بالاخره مرتبه و رای اخلاق که از سنخ احوال معنوی است و همه وجوه پیشین نیز در سایه آن قرار می <shy>گیرد.

اخلاق مثل هوا برای زندگی است

وی با طرح این سوال که چرا دانشگاه بحث اخلاق را مطرح کرده است در حالی که باید به کار آموزش بپردازد، گفت: وجهش این است که دانشگاه شاید مشکلی در کارها احساس کرده و به این نتیجه رسیده است که اگر اخلاق نباشد، در آموزش هم خلل پدید می <shy>آید. در شرایط عادی که علم می آموزیم یا پژوهش می <shy>کنیم، روش و سازمان و قانون حاکم است و به اخلاق احساس نیاز نمی <shy>شود. اخلاق مثل هوا برای زندگی است که اگر نباشد قدر وجودش معلوم می <shy>شود. اخلاق به عنوان مهر و معرفت و اعتماد و همبستگی و وفاداری شرط درست انجام شدن کارهاست.

رئیس فرهنگستان علوم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه تا انسان وجود دارد اخلاق خواهد بود و اخلاق نسبت ما با خداوند است به سخن داستایوفسکی که گفته است «اگر خدا

نباشد هر کاری مباح است» اشاره کرد و افزود: هرگز در هیچ جامعه ای هر کاری مباح نبوده است، آدمی موجودی است که قانون دارد و خوب و بد را تشخیص می دهد. هیچ زمانی و هیچ جامعه shy&ای نبوده است که در آن خوب و بد شناخته نشده باشد منتهی خوب shy&ها و بدها همیشه به یک صورت نبوده و یکسان تحقق نمی shy&;یافته و مخصوصا اخلاق دگرگون می shy&;شده و چه بسا گاهی در جایی دستخوش انحطاط شده و این انحطاط به زوال اقوام مؤدی شده است.

اکنون اخلاق در همه جا تنزل یافته است

وی ادامه داد: اکنون در عصر ما اخلاق در همه جا تنزل یافته و در کشور ما نیز که برای اخلاق انقلاب کرده است، این تنزل کاملاً آشکار است و اگر این سیر ادامه یابد شاید جهان دچار فاجعه shy&;ای بزرگ شود. از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون هرگز پیریشانی و حماقت و بی shy&;اعتنائی به موازین اخلاقی تا این اندازه شایع نبوده است. نه فقط در دهه shy&;های اخیر سراسر جهان را آشوب فراگرفته است بلکه روشنفکران هم به نظریه shy&;هایی مایل و متوجه شده shy&;اند که قبل از جنگ جهانی دوم زمینه shy&;ساز ماجراهای پر درد و داغ نیمه اول قرن بیستم بود.

وی افزود: راستی چرا در اندیشه سیاسی دهه shy&;های اخیر این همه به کارل اشمیت اعتنا می shy&;شود؟ در سیاست هیچ نظریه shy&;ای اهمیت مطلق ندارد بلکه در بهترین صورت سازنده و ویران shy&;کننده است. کارل اشمیت فیلسوف بحران بود. آیا توجه به او نشانه بحرانی نظیر بحران سال shy&;های دهه shy&;های بیست و سی قرن بیستم میلادی است؟ اگر این تناظر را بپذیریم، این را نه تکرار بحران بلکه صورت عمیق shy&;تر بحران تاریخ غربی باید بدانیم.

غرب صرفا می سازد و مصرف می کند

داوری اردکانی گفت: اخلاق با امید پدید می shy&;آید و در فرهنگ و روابط و مناسبات میان مردمان قوام و تحقق می shy&;یابد. تاریخ غربی به جایی رسیده است که دیگر امیدی ندارد بلکه می سازد و مصرف می shy&;کند. به عبارت دیگر در این تاریخ زندگی دیگر معنایی جز دوره کردن شب و روز و مصرف کردن و اشتغال برای مصرف ندارد. پیداست که در اینجا مراد از غرب، غرب جغرافیایی و سیاسی نیست بلکه شیوه زندگی شایع در سراسر روی زمین است. همه جهان با چشم غربی به جهان نگاه می shy&;کنند و ارزش shy&;ها هم یکسره ارزش shy&;های بی shy&;ارزش shy&;شده غربی است.

آیا جهان به سوی فاجعه و نابودی می shy&;رود؟

وی افزود: در چنین شرایطی آیا جهان به سوی فاجعه و نابودی می shy&;رود؟ این که مسیر انحطاط سرعت گرفته است باید همه را به فکر وادارد که بپرسند جهان دارد به کجا می shy&;رود و چه بر سر آدمی خواهد آمد؟ آیا دین می shy&;تواند به اخلاق مدد برساند و از بروز فاجعه جلوگیری کند؟ درد این است که دین نیز در معرض آسیب قرار گرفته و گروه shy&;هایی گرد آمده shy&;از سراسر جهان در شرق و غرب، پرچم دین به دست گرفته و به نام دین هر منکری را مرتکب می shy&;شوند و جهان را پر آشوب می shy&;کنند و بر اصل اباحه و مباح بودن هر تبهکاری و فسادی صحه می shy&;گذارند و نه فقط دین را با رفتار خود از صحنه خارج می shy&;کنند بلکه آن را بدنام و تباه می shy&;سازند.

وی ادامه داد: با وجود این مایوس نباشیم و بدانیم که هر چه بر سر جامعه بشری بیاید به کلی تباه نمی شود زیرا نسبتی که انسان با حق دارد گرچه ممکن است به مو برسد، گسیخته نمی shy&;شود و این نسبت تا آدمیت وجود دارد، هست. مگر اینکه آدمیت به کلی از بین برود.

جامعه جدید اخلاق را به علم و سیاست واگذار کرده است

داوری اردکانی تصریح کرد: هیچ جامعه فاضله محض وجود ندارد، گناه همیشه هست، ما با اختیار آفریده شده ایم و بشری که اختیار دارد همواره ممکن است به هر سویی منحرف شود. جامعه جدید اخلاق را به علم و سیاست واگذار کرده است، یعنی اموری که در گذشته و در جامعه های قدیم به عهده دین و اخلاق بود اکنون به سیاست محول شده است.

وی با اشاره به تعبیر ماکیاولی که می گوید سیاست از اخلاق جداست، گفت: آیا سیاست و علم بی اخلاق و ضد اخلاق اند؟ پاسخ نمی shy&;تواند مثبت باشد و مگر روکردن به علم، امر اخلاقی نیست؟ علم مایه شرف و فضیلت است. الا اینکه با غلبه ساحت علم تکنولوژیک ساحت shy&;های دیگر وجود انسان از اثر بیفتد.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: در جامعه جدید، علم محور زندگی است و جهان حول محور علم می چرخد، اخلاق جهان هم اگر تابع علم نباشد با علم و تکنولوژی میزان می shy&;شود.

مردم در قرن ۱۹ راستگوتر بودند

وی با بیان اینکه جوامع در ادوار تاریخی همیشه یکسان نیستند و یک وجه ندارند به شرایط قرن ۱۹ و ۲۰ اشاره کرد و افزود: قرن ۱۹ تنها قرن صلح است نه اینکه در این قرن هیچ بحرانی وجود نداشته و با پایان یافتن آن صلح و آزادی به پایان رسیده باشد. قرن نوزده قرن پیشرفت سریع علم و برقرار شدن نظم و سامان و شیوه معاش جدید بود و پیروی از این نظم و عقل، رفتار اخلاقی مردمان را هم صورت می shy&;بخشید. مردم در اروپا و امریکای قرن نوزدهم در روابط و مناسباتشان با یکدیگر راستگوتر و درستکارتر بودند و مثلاً می shy&;دانیم بعضی از آنان که رفتار مردم دیگر مناطق جهان را می دیدند، آنها را در قیاس با رفتار خود زشت و ناپسند می shy&;دیدند و وصف می shy&;کردند.

داوری اردکانی افزود: این اخلاق متأسفانه پایدار نماند و نمی shy&;توانست پایدار بماند زیرا در همین قرن پیشرفت، انگلیسی shy&;ها، فرانسوی shy&;ها، هلندی shy&;ها و امریکایی shy&;ها و ... میلیون shy&;ها انسان را در شمال آفریقا و در اندونزی و امریکای شمالی و جنوبی و سراسر روی زمین کشتند و بر آن سرپوش نهادند. در قرن ۲۰ تکنولوژی توسعه بیشتر یافت اما مردم اخلاقی تر نشدند و در پایان قرن ۲۰ سازمان های اداری و سیاسی اروپا هم دچار فساد شدند.

تاریخ جدید بر تمتع بشر در زندگی استوار است

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: اصل تاریخ جدید بر تمتع بشر در زندگی استوار است و این به یک اعتبار حسن است اما اگر مطلق شود کار به حرص بی shy&;پایان و قهر و غلبه و ستم می shy&;انجامد.

وی در ادامه سخنان خود به تاریخ علم و فرهنگ در جوامع اسلامی اشاره کرد و گفت: علم قدیم صرفا علم بهره shy&;مندی نبوده بلکه مایه شرف بوده و راهی به سوی سعادت می shy&;گشوده است. قرون دوم تا ششم دوران اوج علم اسلامی بوده است اما از قرن هفتم به بعد سیر نزولی نه فقط در علم بلکه در فرهنگ و اخلاق نیز مشاهده می شود.

وی با بیان اینکه هیچ جامعه ای بی shy&;اخلاق نمی تواند دوام داشته باشد، گفت: اگر در جایی علم صرفا علم مصرفی باشد و مردم غایتی جز مصرف نداشته باشند آن جامعه شأن اخلاقی نمی shy&;تواند داشته باشد.

او در ادامه با طرح این سؤال که چه می شود که یک جامعه فاسد یا صالح می شود و اینکه آدم چه موجودی است و چه تفاوتی با حیوانات دارد، گفت: انسان تاریخ، یعنی گذشته و آینده دارد اما حیوانات تاریخ ندارند و همواره بر یک نهج زیسته shy&;اند و همچنان زیست می shy&;کنند. آدمیان عبرت و امید دارند. سه ساحت وجودی انسان که ساحت تمتع، عقل و ایمان است انسان را از حیوانات متمایز می کند.

داوری گفت: در فرهنگ دینی ما سه ساحت شریعت، طریقت و حقیقت به جای ساحت shy&;های شهوت و غضب و عقل که فیلسوفان به آن مایل بودند مطرح بوده است. انسان اهل تمتع، اخلاق و ایمان است و اگر اثر ایمان باشد، تعادل میان دو ساحت دیگر پدید می shy&;آید.

تعادل بین دو ساحت تمتع و روحانیت

استاد فلسفه دانشگاه تهران ادامه داد: فساد و صلاح آدمی به بی shy&;تعادلی و غلبه یکی از دو ساحت تمتع و روحانیت بر وجود انسان در هنگام ضعف ایمان بازمی shy&;گردد. وقتی بین این دو ساحت تعادل برقرار باشد مردم در هوای اخلاق به سر می shy&;برند. اما اگر این تعادل برقرار نشود، با وعظ و نصیحت و درس نمی توان مردم را اخلاقی کرد زیرا گوش شنیدن وعظ وجود ندارد.

داوری اردکانی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه در جهان کنونی اخلاق رو به ادبار دارد و نشانه‌های فساد در همه جا پیداست به وضع کشور خودمان اشاره کرد و گفت: ما در حال حاضر وضع اخلاقی خوبی نداریم، آسان دروغ می‌گوییم، بی shy&؛ پروا تهمت می‌زنیم، فحاشی برای ما امری عادی شده است و مهم اینکه از زیبایی shy&؛ها به آسانی چشم می‌پوشیم و زشت shy&؛ها را زشت نمی‌shy&؛ بینیم. توقع نیست که جامعه یکسره صلاح باشد و مفاسد همه از میان بروند بلکه باید ببیندیشیم که مبدا زشتی و زیبایی و شر و خیر با هم اشتباه شود و اشرار و اراذل کارهای زشت خود را خوب و زیبا و صاحبان فضیلت را منحرف و گمراه بخوانند.

علوم انسانی چنانکه باید در اداره و سیاست کشور دخیل نشده است

رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در پایان سخنانش گفت: ببینیم دانشگاه که جای علم و پژوهش است در این وضع چه وظیفه‌ای دارد و چه می‌shy&؛ تواند بکند؟ دانشگاه مدرسه قدیم نیست. بلکه جایی است که در آن همه علوم متحد و همگام و یک جهت می‌shy&؛ شوند. به عبارت دیگر دانشگاه مظهر جامعه shy&؛ای است که علم کانون آست و چرخ آن با علم می‌shy&؛ گردد. همه شئون جامعه در دانشگاه ظهور دارد و همه علم shy&؛های دانشگاه برای زندگی است. جامعه جدید با علم و پژوهش به خود سامان می‌shy&؛ دهد و نواقص را تا حدودی رفع می‌shy&؛ کند. دانشگاه پیشرو جامعه است و جدا از جامعه نیست. متأسفانه در کشور ما علوم انسانی چنانکه باید در اداره و سیاست کشور دخیل نشده است. اگر علوم پایه و مهندسی در کار سازندگی شرکت دارند، پزشکی و علوم انسانی در سازماندهی و هماهنگی و آسیب shy&؛زدایی و درمان مؤثرند.

تکنیک غایت آدمی نیست

داوری گفت: متأسفانه در حال حاضر ما به علوم انسانی و به ادب و هنر چندان اهمیت نمی‌دهیم زیرا غایت را تکنیک می‌دانیم. همه جهان غایت بشر را دسترسی به تکنولوژی و استفاده از آن می‌دانند. با تکنیک نمی‌shy&؛توان مخالفت کرد اما تکنیک غایت آدمی نیست و مخصوصاً در کشوری که مهندس تربیت می‌shy&؛ کند و به خارج می‌shy&؛فرستد و تکنولوژی shy&؛های متوسط را از خارج خریداری می‌shy&؛ کند، چگونه تکنیک می‌shy&؛ تواند غایت زندگی باشد؟

وی با اشاره به اینکه در دانشگاه‌های ما سه برابر متوسط جهان، مهندس تربیت می‌شوند و بعضی از بااستعدادترین آنها که سرمایه‌های بزرگ کشورند به خارج می‌shy&؛ روند و در آنجا می‌shy&؛مانند، گفت: درست است که ما با این کار به علم جهان کمک می‌کنیم اما کاش می‌shy&؛توانستیم اندازه را رعایت کنیم و به اندازه احتیاج کشور خود دانشمند و پزشک و مهندس تربیت کنیم و از آنها در جای شایسته shy&؛شان بهره ببریم.

وی افزود: وظیفه دانشگاه وعظ و موعظه نیست اما اگر دانشگاه بتواند به جامعه و مردم تذکر بدهد که شرایط کشور چیست و چه shy&؛ها می‌shy&؛توان کرد و باید کرد و علم را برای چه باید فراگرفت و ... کار بزرگی کرده است. شاید اگر دانشگاه در مقام مناسب خود قرار گیرد و بتواند به وظیفه اصلی خود عمل کند این مقصود هم حاصل شود. وظیفه اصلی دانشگاه آموزش و پژوهش مناسب و مورد احتیاج کشور است.

۹۰ درصد پژوهش‌های ما صوری و تکراری است

وی اظهار کرد: ما متأسفانه کمتر فکر می‌کنیم و برای عمل کردن، خود را محتاج فکر کردن نمی‌بینیم. دانشگاه باید بیشتر به تفکر مجال بدهد تا بتوان پژوهش‌های مناسبتر انجام داد. در حال حاضر ۹۰ درصد پژوهش‌های ما صوری و تکراری است و نمی‌shy&؛ دانیم در کجا به چه کار می‌shy&؛آید؟

داوری اردکانی تصریح کرد: اخلاق به یک اعتبار امر فردی است اما کار اخلاقی در فضای جامعه صورت می‌گیرد. وقتی مردم در هوای فساد نفس می‌shy&؛کشند، اخلاقی بودن دشوار می‌shy&؛شود و آنها که مستعد فسادند زودتر فاسد می‌shy&؛شوند و مجال را از دست اهل صلاح می‌shy&؛گیرند. کاش می‌shy&؛توانستیم به وضع اخلاق خود و به گفتار و رفتار خود ببیندیشیم. درس اول اخلاق، مراقبت است. همه ما باید غمخوار خویش باشیم و همواره از خود بیرسیم در نسبت با دیگران چه می‌shy&؛توانیم بکنیم و چه کرده shy&؛ایم؟ شرط اخلاقی بودن تواضع و شناختن حد خود است. با شناختن حد خود دیگری و دیگران هم جایگاه پیدا می‌shy&؛کنند. با قبول دیگری، وفا و امید، و بالاخره اخلاق به وجود می‌آید.

اخلاق نمی‌تواند صرفاً آموزشی و آموختنی باشد

وی گفت: تعلیم و تربیت با اخلاق مرتبط است و در آن نمی‌shy&؛توان به اخلاق توجه نکرد. اما اخلاق نمی‌تواند صرفاً آموزشی و آموختنی باشد. معنایی shy&؛ترین شأن وجودی ما شأن اخلاقی‌مان است. ما هرگز به درستی ندانسته shy&؛ایم که اخلاق چیست و چگونه بدانیم که قلمرو آن فاصله میان آسمان و زمین است و آدمی در این فاصله از «احسن تقویم» تا «اسفل سافلین» سیر می‌shy&؛کند. ما وظیفه داریم که مواظب رفتار خود باشیم و مسئولیت رفتار و گفتار خود را به عهده گیریم. ما نیاز به درس اخلاق داریم اما این درس، درس تذکر است. پس از وضع کنونی اخلاق غافل نباشیم. اولین درس باید ما را به نقص shy&؛هایمان متوجه کند. اگر همه خود را اهل صلاح می‌shy&؛دانیم، به اخلاق چه نیاز داریم؟ بی shy&؛نیازی اگر به طور کلی پسندیده باشد، بی shy&؛نیازی به اخلاق ناپسندیده و زشت است. مردم ما هم برای معرفت و اخلاق انقلاب کردند و باید ببیندیشند که چرا از این مقصد و مقصود همچنان دورند و دور مانده shy&؛انند.